

دولت موقت از شورای انقلاب (۲۲ دی ۱۳۵۷) تا پیروزی انقلاب (۲۲ بهمن ۱۳۵۷)

دکتر کیوان لؤلویی

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران

k.loloie@gmail.com

ایوب نظری (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد رشته تاریخ- انقلاب اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، ایران

Nazari_ayoub@yahoo.com

چکیده

هدف مقاله آشنایی با مواضع، عملکرد و اقدامات دولت موقت مهندس بازرگان از تشکیل شورای انقلاب تا پیروزی و پایایی انقلاب اسلامی ایران می باشد که علاوه بر تحقیقات میدانی و کتابخانه ای، از روش استنباطی و تحلیلی نیز استفاده شده و با مروری بر اسناد موجود مکتوب و شنیداری دیدگاه مناسب به موضوع تبیین گردیده است. با اوج گیری انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(ره) در نوفل لوشالتو* و با مشورت معتمدان روحانی و غیر روحانی به تصمیم گیری پرداخت و با درخواست شهیدمرتضی مطهری در ۲۲ دی ۱۳۵۷ شورای انقلاب را با سرپرستی خود ایشان تشکیل داد. این شورا موظف بود مقدمات دولت انتقالی را فراهم سازد. لذا پس از ورود امام (ره) به وطن(۱۲ بهمن- سال ۱۳۵۷) بنا به پیشنهاد شورای انقلاب، حضرت امام (ره) مهندس بازرگان را با شرایط به دور از وابستگی حزبی و گروهی به ریاست دولت موقت* در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ منصوب کرد و موظف بود پس از انجام تعهدات خود کار را به ریس جمهور واگذار نماید، این پیش بینی نشان می داد که حضرت امام (ره) تمایلی به وارد کردن جریان فکری و سیاسی نهضت آزادی به داخل انقلاب اسلامی و نظام جدید اسلامی ندارد، لذا در این طیف نمی توان حزب یا تشکل خاصی را در شکل گیری انقلاب اسلامی موثر دانست بلکه پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ را، می توان حاصل حرکت توفنده مردم به رهبری امام (ره) دانست.

واژگان کلیدی: نهضت آزادی-مهندس بازرگان-شورای انقلاب-دولت موقت-حضرت امام خمینی(ره).

مقدمه

یکی از مباحث مهم و کنونی در عرصه سیاسی جامعه ما مقولهٔ تحزب و تلاش دولت جدید در به راه انداختن رقابت سیاسی در قالب نظام احزاب می باشد. شاید بتوان ادعا نمود که در ایران، به مفهوم واقعی و در چارچوب تعاریف امروزی، احزاب متشکل و سازمان یافته، به طور گسترده وجود ندارد و این بی ثباتی و عدم استمرار حیات احزاب دلایل مختلفی از جمله: حاکمیت نظام پادشاهی و استبدادی، جوان بودن نظام تحزب، غیر مردمی بودن وابستگی های خارجی احزاب، تهدید امنیت ملی و جنگ تحمیلی داشته است. به طور کلی پس از پیروزی انقلاب مشروطیت، نخستین احزاب (در مفهوم عام کلمه) و گروههای سیاسی علنی رسماً وارد صحنه سیاسی کشور شدند و به فعالیت پرداختند.

دههٔ ۱۳۲۰ را باید به عنوان نقطهٔ عطفی با ابعاد وسیع و گسترهٔ قابل ملاحظه در تاریخ معاصر ایران بدانیم که در طی آن، یعنی سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰، افزون بر پانصد حزب، گروه، سازمان، جمعیت، انجمن و غیره در این مملکت فعالیت داشته و از مدافعان انگلیس (حزب اراده ملی، حزب عدالت) تا فدائیان روس (حزب توده، فرقهٔ دمکرات)، و گروههای وابسته به اروپا و آمریکا و حتی رژیم غاصب صهیونیسم* و... در ایران فعال بودند. و از سوی دیگر جریانات ناسیونالیسم* اسلامی، ملی، سوسیالیستی*، فراماسونی* و ... نیز میدان دار بوده و هرکدام بدنبال اهداف خاص خود بوده اند.

با کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روح امید، حرکت و جنبش تبدیل به سکونت مرگباری شد تا آنجا که نه حزب توده توانست قد علم کند و نه جبههٔ ملی توانست به میدان کارزار آید. اما در دههٔ ۱۳۴۰ شاهد پیدایش حرکت های جدیدی بودیم که مهم ترین آنها عبارتند از:

- ۱- کانون مترقی، وابسته به آمریکا
- ۲- مائوئیسم*، وابسته به چین
- ۳- ماسونری، ادامهٔ حرکت انگلیس با بقیهٔ باقیمانده ها و ...
- ۴- نهضت اسلامی، به رهبری مرجع عالیقدر، حضرت امام خمینی (ره) و طرح حکومت اسلامی، نفی کامل رژیم شاهنشاهی و ...

۵- حرکت ملی مذهبی ها (نهضت آزادی)

یکی از جریان‌های مهم که در این دهه پا به عرصه وجود گذاشت «نهضت آزادی ایران» به رهبری مهندس بازرگان بود که در ابتدای امر با اقبال قابل ملاحظه نیروهای مذهبی و به ویژه روشنفکران دینی و دانشگاهیان مواجه شد.

سرنوشت نهضت آزادی ایران از ابتدای امر، با شخصیت آقای مهندس مهدی بازرگان گره خورد و به لحاظ سن، موقعیت و توانمندی وی، در مجموع کمتر کسی یارای مقابله با ایشان را در نهضت داشته است. لذا نهضت در سه دهه به طور کامل در اختیار وی قرار گرفت و قریب به اتفاق اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، جزوات نیز به قلم ایشان تنظیم و تدوین می شد و این را می توان از سبک و سیاق متون دریافت. البته در درون نهضت هیچگاه کمیته مرکزی، کنگره، دفتر سیاسی و ... بصورت انتخابی وجود نداشت، بلکه این گونه امور همواره جنبه انتصابی داشته است. لذا نفوذ افرادی چون عباس امیر انتظام امری عادی بوده و یا رابطه برخی از افراد نهضت با سفارت امریکا، دیدارها، گزارشات برای تمامی افراد حزبی بیان نمی شد. از این حیث شاید تا حدی قابل مقایسه با حزب توده و شوروی باشد. به هر صورت سیر حرکت نهضت، تعطیلی آن، تندروی، کندروی و میانه روی آن را می توان مرتبط با شخصیت مهندس آقای بازرگان دانست و شاید به همین دلیل است که نام نهضت با شخصیت بازرگان گره خورد و حتی آقای دکتر یدالله سبحانی و ... در اراده نهضت اختیاری نداشته اند.

شورای انقلاب

بررسی و واکاوی تشکل‌ها و نهادهای تشکیل شده در واپسین ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ از الزامات فهم تاریخی سیر انقلاب اسلامی و اندیشه رهبران آن است. در حقیقت، این نهادها نشانگر میل به کار جمعی، تنظیم امور و زمینه سازی برای سازماندهی حکومت تازه محسوب می شد، در این جریان، بسیاری از عظام و رهبران انقلاب اسلامی به تدریج شناخته و کارآزموده شدند و مردم نیز با شناخت آنان توانستند فضای منظم و سازمان یافته تری را تجربه کنند، حضرت امام خمینی (ره) در زمان حضور در نوفل لوشالتو، با مشورت معتمدان روحانی و غیر روحانی در این عرصه‌ها به تصمیم‌گیری می پرداخت و نهایتاً به عنایت به شرایط دشوار و

پیچیده آن ایام دستور تشکیل نهاد یا گروهی برای وظایف خاص را ارائه می داد. مهمترین نهاد در این ایام، شورای انقلاب اسلامی بود که تا اردیبهشت سال ۱۳۵۹ نقشی بسیار مهم در قانون گذاری و اداره امور کشور برعهده داشت. علاوه بر آن، دولت موقت طی فرایندی خاص، ختم دولت های برآمده از عصر سلطنت را اعلام کرد. هم چنین، هیأت تنظیم اعتصاب در صنایع و شرکت نفت، هیأت تنظیم اعتصابات و دولت موقت که هر دو با حکم مستقیم امام(ره) شکل گرفتند و طی مدت کوتاهی اثر گذار بودند.

اندیشه تشکیل شورای انقلاب، به درخواست شهید مطهری در ۲۲ دی ماه ۱۳۵۷ با صدور فرمان حضرت امام خمینی (ره) شکل گرفت و طرح این اندیشه در بین مبارزان آن زمان خصوصاً روحانیون مطرح بود، چون هم امام و هم دیگر بزرگان انقلاب می دانستند که مراحل بعدی نهضت و پس از پیروزی، نیاز به تشکلی هست که بتواند نیروهای نهضت را سازماندهی کند و بعد از پیروزی هم بتواند به هرج و مرج و آشفتگی ها و اوضاع پر آشوب کشور سر و سامان دهد. این شورا در گرما گرم مبارزات با ترکیبی از چهره های شاخص و برجسته نهضت و افراد مورد اعتماد امام شکل گرفت. این افراد که اسامی اولیه آن عبارتند از: آیت الله خامنه ای، شهید مطهری، شهید بهشتی، آیت الله موسوی اردبیلی، شهید باهنر، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله طالقانی، آیت الله مهدوی کنی، سرلشکر ولی الله قرنی، سرتیپ علی مسعودی، مهندس بازرگان، یدالله سبحانی، مهندس کتیرایی، احمد صدر و حاج سید جوادی. که در تسریع روند انقلاب و انتقال قدرت به سازمان جدید حکومت عمل می کرد. بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت، عده ای جدید به این شورا اضافه شدند. اسامی آنان عبارتند از: دکتر عباس شیبانی، دکتر حسن حبیبی، مهندس میر حسین موسوی، دکتر حبیب الله پیمان، احمد جلالی، عزت الله سبحانی، صادق قطب زاده و بنی صدر.

اندیشه تأسیس شورای انقلاب

فلسفه و اندیشه ای که براساس آن شورای انقلاب پایه ریزی شد تصمیم گیری گروهی و جلوگیری از استبداد* در جریان نهضت مبارزاتی و اهداف سیاسی و مدیریت تحولات انقلابی بود. حفظ انسجام در میان انقلابیون، لزوم اتحاد میان جریان های فکری و سیاسی، معرفی نخست وزیر

بعد از پیروزی انقلاب، قانونگذاری برای کشور، ایجاد نهادهای لازم برای اداره کشور و در واقع کار انتقال قدرت و تحول در سازمان حکومتی به عهده این شورا بود. مهندس عزت الله سحابی می گوید:

«کسی که اندیشه حفظ انسجام در میان انقلابیون، لزوم اتحاد میان جریان های فکری و سیاسی، معرفی نخست وزیر بعد از پیروزی انقلاب، و فکر تاسیس شورای انقلاب را در سر داشت آیت الله مرتضی مطهری بود». (مجله انقلاب، ارگان رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

آقای هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود چنین می نویسد:

«آن روز ها گرایش به شورا شدید بود. از دیکتاتوری* و استبداد خاطرات بسیار تلخی داشتیم و به هیچ وجه نمی خواستیم از شیوه های فردی استفاده کنیم. مبارزه با استبداد از نیرومند ترین انگیزه های مبارزه، درد مردم و همه ما بود. حل استبداد را هم در شورا می دانستیم. با چنین زمینه طبیعی، فکر تشکیل شورا و اداره کشور توسط آن، مسئله ای پذیرفته شده برای همه مبارزان بود. به همین دلیل طبیعی باید شورای انقلاب تشکیل می شد.»

در بخشی از پیام حضرت امام (ره) مبنی بر تشکیل شورای انقلاب چنین آمده :

«به موجب حق شرعی و براساس رای اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به اینجانب ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورایی به نام شورای انقلاب اسلامی مرکب از افراد با صلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق موقتاً تعیین شده و شروع به کار خواهند کرد.» (روزنامه رسالت، ۱۳۶۸/۰۴/۰۱)

شکل گیری شورای انقلاب

حضرت امام (ره) به گروه پنج نفره از روحانیون به سرپرستی شهید مطهری مسئولیت دادند که برای شناسایی افراد لازم برای اداره آینده مملکت تلاش کنند. این عده عبارت بودند از: آیت الله سید محمد حسینی بهشتی، آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، حجه الاسلام علی اکبر هاشمی و حجه الاسلام محمد جواد باهنر. سپس این افراد با آیت الله مهدوی کنی درباره عضویت ایشان در شورای انقلاب صحبت کردند و ایشان پذیرفت و حضرت امام نیز با عضویت ایشان موافقت کردند. بنابراین هسته اولیه شورای انقلاب شش نفر از روحانیون بودند... بعد آیت الله سید

محمود طالقانی و حضرت آیت الله سید علی خامنه ای نیز به این شورا پیوستند و به تدریج مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، دکتر شیبانی هم با تأیید امام به شورا پیوستند. موقعی که شاه از ایران رفت، هنوز کلیه اعضای ۱۵ نفری شورای انقلاب تکمیل نشده بود. (روزنامه- میزان، ۱۳۵۷/۱۲/۹)

اهداف و مسئولیت شورای انقلاب قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

مطابق ماده یک اساسنامه شورای انقلاب، هدف کلی از تاسیس شورای انقلاب پاسداری از ثمرات مبارزات آزادی خواهانه و استقلال طلبانه و حق پرستی جنبش های، محاهدانه ملت، ایران، احزاب، اهداف انقلاب و ایجاد حکومت جمهوری دموکراتیک اسلامی در ایران بود.

امام (ره) در پیام ۲۲ دی ۵۷ مسئولیت شورای انقلاب را مشخص کردند. در این پیام آمده است: «این شورا موظف به انجام امور معین و مشخصی شده است، از آن جمله مأموریت دارد تا شرایط تاسیس دولت انتقالی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و مقدمات اولیه آن را فراهم سازد». (صحیفه امام، جلد ۶: ص ۵۴)

از دیگر اقدامات شورای انقلاب می توان به مواردی همچون تصویب اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ملی کردن بانک ها، سامان بخشیدن به امور دادگاه های انقلاب، بررسی پیش نویس قانون اساسی، تصویب آیین نامه مجلس خبرگان و ... اشاره کرد که بعد ها با استعفای مهندس بازرگان از دولت موقت مسئولیت اجرایی اداره کشور همراه با تکمیل انتقال قدرت و تأسیس نهادهای سیاسی جدید به دستور امام برعهده شورای انقلاب قرار گرفت و دولت در شورای انقلاب ادغام شد. (همان)

شورای انقلاب قبل از پیروزی انقلاب بیشتر در جهت هدایت انقلاب بود و پس از بازگشت به تهران یکی از کارهای مهم شورای انقلاب تعیین دولت موقت بود که با مشورت اعضای شورای انقلاب و تصویب امام خمینی، مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر دولت موقت برگزیده شد و در مرحله بعد به بررسی صلاحیت وزراء پیشنهادی نخست وزیر پرداخت و با صلاحیت برخی از افراد معرفی شده، مخالفت ورزید.

دوازده بهمن ۱۳۵۷ پرواز انقلاب

۱۶ روز پیش، محمد رضا شاه در حالی که یگانهای گارد شاهنشاهی، فرودگاه بین المللی مهرآباد را محاصره کرده بودند، با مراسم غیر رسمی و با شتاب ایران را برای همیشه ترک کرد و اکنون، امام، با حضور و تهدیدات احتمالی ارتش نیم میلیونی نفری رژیم، همراه با ۵۰ تن از همراهانش به ایران باز می گشت. در مرحله ای حتی آمریکائیها، جریانهای لیبرال* را وادار می کنند که مانع از بازگشت حضرت امام (ره) به میهن شوند. روز ۲۶ دی بعد از فرار شاه یا خروج او به فرمان آمریکا، سولیوان* در گزارشی که به وزارتخانه آمریکا مخابره می کند، می گوید:

«امیر انتظام از نهضت آزادی ایران، عنصر کمیته مرکزی حدود یک ساعت و نیم بعد از رفتن هواپیمای شاه تلفن زد که آیت الله خمینی در آینده نزدیک بر نمی گردد (تکرار) بر نمی گردد.» (افشاگری روابط آمریکا و شاه،

نهایتا در این روز (۱ فوریه ۱۹۷۹) امام خمینی پس از ۱۴ سال و چند ماه تبعید با هواپیمای ۷۴۷ شرکت هواپیمایی ایر فرانس وارد کشور شدند. تعداد زیادی خبرنگار خارجی از شبکه های خبری دنیا، همراه امام، در این پرواز حضور داشتند. جمعیتی که به پیشواز ایشان آمدند بیش از سه میلیون نفر بود به طوری که امام ناچار شد برای رفتن از فرودگاه تا بهشت زهرا از هلی کوپتر استفاده کند. (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ص ۲۸۷)

استقبال از امام، در تاریخ معاصر بی سابقه بود. امام، پس از پیاده شدن از هواپیما و تشکر از مستقبلین، طی سخنان کوتاهی، با اعلام مجدد برنامه های خودشان، دولت بختیار را غیر قانونی و غاصب معرفی کرده و از «تعیین دولت و حکومت موقت سخن گفتند».

بازرگان، در مسند نخست وزیری دولت موقت

امام خمینی (ره) چهار روز پس از ورود به ایران در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ بنا به پیشنهاد شورای انقلاب، مهندس بازرگان را به نخست وزیری دولت موقت منصوب کرد. حکم امام در مجلسی که خودشان هم حضور داشتند توسط آقای آیت الله هاشمی رفسنجانی در مدرسه علوی به شرح زیر قرائت شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای مهندس بازرگان

« بنا به پیشنهاد شورای انقلاب، برحسب حق شرعی و قانونی ناشی از آراء اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران، که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد، در سراسر ایران نسبت به رهبری جنبش ابراز شده است و به موجب اعتمادی که به ایمان راسخ شما به مکتب مقدس اسلام و اطلاعاتی که از سوابق تان در مبارزات اسلامی و ملی دارم، جنابعالی را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص، مامور تشکیل دولت موقت می نمایم. تا به این ترتیب اداره امور مملکت و خصوصاً انجام رفراندوم* و رجوع به آراء عمومی ملت، درباره تغییر نظام سیاسی کشور، به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان* از منتخبین مردم، به جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان ملت، بر طبق قانون اساسی جدید را بدهید. مقتضی است که اعضای دولت موقت را هر چه زودتر، با توجه به شرایطی که مشخص نموده ام تعیین و معرفی نمایید. کارمندان دولت، ارتش و افراد ملت با دولت موقت شما همکاری کامل نموده و رعایت انضباط را برای وصول به اهداف مقدس انقلاب و سازمان یافتن امور کشور خواهند نمود. موفقیت شما و دولت موقت را در این مرحله حساس تاریخی از خداوند متعال مسئلت می نمایم. [بازرگان، ۱۳۶۲، ضمیمه فصل اول.]

روح الله الموسوی الخمینی

به دور از روابط حزبی

آنچه در این حکم اهمیت زیادی دارد، شرط و تأکید رهبر انقلاب، برای بازرگان و حتی وزیران کابینه «بدور از وابستگی حزبی و گروهی» است که ما در روند بررسی عملکرد بازرگان و نهضت آزادی در دولت موقت به آن خواهیم پرداخت. خود آقای بازرگان اذعان دارد که امام (ره) در جلسه روز یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ بر این مسئله مجدداً تأکید کردند:

«آیت الله خمینی راجع به عدم وابستگی حزبی و این که نخست وزیر و وزراء و شاید اعضای شورای انقلاب، نباید عضو هیچ حزب باشند و تصور تمایل و تبعیت ایشان از هیچ گروه و حزب پیش نیاید بیاناتی کردند. حاضرین متعجب شدند. چون امر مسلم، نخست وزیر انتخابی از نهضت آزادی بود. همین مطلب را آقای مهندس کتیرایی با مرحوم مطهری عنوان کردند که اگر بازرگان

استعفاء از نهضت آزادی بدهد همه می دانند که موسس و عضو علاقمند نهضت آزادی است. من اضافه کردم همین طوراند آقای طالقانی، به علاوه وزرای را هم که باید انتخاب کنیم... بالاخره قرار شد، کسانی که حزبی هستند، از مسئولیت و اشتغال فعالیت و مشارکت در حزب خود خودداری نمایند.» (اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۱: صص ۳۸-۳۶)

بیانیه نهضت آزادی ایران بعد از صدور فرمان نخست وزیری مهندس بازرگان

نهضت آزادی ایران، پس از انتخاب دبیر کل خود به نخست وزیری دولت موقت بیانیه ای صادر کرد. در این بیانیه چنین آمده بود:

بسمه تعالی

«اکنون که رهبر بزرگ و عالیقدر امام خمینی، بنا به حق شرعی و قانونی خویش، در این موقعیت حساس و تعیین کننده و تاریخی، جناب آقای مهندس بازرگان را بدون در نظر گرفتن وابستگی حزبی، به ریاست دولت موقت انقلابی، شرعی و قانونی برگزیده اند، ما این انتصاب انقلابی و تاریخ ساز را به ملت شریف و فداکار ایران تبریک می گوئیم و از آنجا که به فرمان آیه ی شریفه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» اطاعت از این امر را وظیفه شرعی و عقیدتی خود به شمار می آوریم و از آنجا که بر طبق اصول والای اسلام و به خصوص مذهب شیعه که مرجعیت عالی آن به عنوان نیابت از امام، حق عزل و نصب دارد، وظیفه خود می دانیم که به برادر ارجمند آقای مهندس بازرگان اطمینان دهیم که هرچه بیشتر در جهت رسالت مکتبی و تشکیلاتی، که نهضت آزادی ایران بر دوش دارد بر تلاشهای خود بیافزائیم تا ایشان با فراغ خاطر و بدون نگرانی، به ماموریت خطیری که برعهده دارند بپردازند و توفیق او را در این امر مهم از پروردگار بزرگ خواستاریم.» (اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲: ص ۷۱)

نهضت آزادی ایران ۱۷ / بهمن / ۱۳۵۷

صحبت مهندس بازرگان پس از دریافت حکم نخست وزیری دولت موقت

مهندس بازرگان پس از دریافت حکم امام، طی سخنانی، ضمن امتنان از امام، مطالبی را بیان داشته و در قسمتی از آن چنین گفتند:

«...قائدتاً با توجه به جثه ضعیف و نواقص و معایب خودم، نمی بایستی قبول این مسئولیت را کرده و زیر بار چنین امری رفته باشم. ولی از یک طرف، بنا به ضرورت و وظیفه و مسئولیت طبیعی و انتظاری که داشته اند و با عزم راسخ و با ایمان کامل به خدا و اعتقاد به موفقیت این راه، که رهبری فرموده اید، من هم همین راه را انتخاب می کنم و... بنابراین با امید به خدا، امتنان از آیت الله و انتظار از ملت ایران و دنیا، این ماموریت و خدمت را قبول و تعهد نمودم و آماده خطرات و زحماتش هستم و نهایت کوشش و دعا را برای توفیق و ادای خدمت مورد انتظار مردم ایران خواهم کرد.» (بازرگان، ۱۳۶۲: صص ۴۰-۳۹)

علل انتخاب مهندس بازرگان به نخست وزیری دولت موقت

در اغلب انقلاب های سیاسی دنیا بعد از به ثمر رسیدن انقلاب، میانه روها برای دوره ای موقت به قدرت رسیده اند. دلایلی که موجب روی کار آمدن میانه روها در سایر انقلاب ها شده بود در مورد علل روی کار آمدن آنها که در چهره ی لیبرال های ملی گرایان تجلی شده بود، صادق بود. اعم این علل که می تواند به انتخاب دولت موقت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی منجر شده، به شرح ذیل است.

۱- جامعه ایران شناخت درستی از نیروهای جوان انقلابی که توانایی اداره کشور را داشته باشند، نداشت و تنها چهره های شناخته شده، کسانی بودند در دوران کوتاه حکومت مصدق با قبول مسئولیت های دولتی. از آنها خاطره ای دور در اذهان باقیمانده بود. (محمدی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۴)

۲- رهبر انقلاب به این که روحانیون مستقیماً مسئولیتهای دولتی را به عهده بگیرند، تمایلی نداشت و از طرفی آنها هم آزمایش لازم را در توانایی خود برای اداره مملکت نداده بودند که در این راستا حضرت امام (ره) می فرمایند:

«من موافق نیستم در جمهوری اسلامی، روحانیون پست های دولتی بپذیرند... روحانیون نباید کار دولتی بپذیرند، آنها باید در کنار دولت بایستند و آن را ارشادکنند، آنها باید بر فعالیت دولت، نظارت و مراقبت داشته باشند.» (مطهری، ۱۳۷۱: ص ۱۸۶)

امام خمینی (ره) و دیگر رهبران روحانی انقلاب اسلامی هیچگاه قصد نداشتند حکومتی تشکیل دهند که خود در مصدر اجرایی، اداری، مدیریتی و قانونگذاری آن قرار بگیرند. بلکه بیشتر مایل بودند امور اجرایی به دست افراد صالح غیر روحانی باشد. (بهادروند، ۱۳۸۳: صص ۱۸۳-۱۸۰)

۳- مهندس بازرگان و یارانش تنها چهره هایی از ملی گریان و لیبرال ها بوده که جنبه مذهبی داشتند و تا حدودی مورد قبول و وثوق جناح های مختلف بودند.

مهندس بازرگان در میان اهداف و سیاست و خط مشی نهضت آزادی از بدو تاسیس تا کناره گیری دولت موقت در خصوص سپردن تشکیل دولت موقت به وی، چنین می گوید:

«نظر به سوابق، آشنایی و اطمینانی که امام به اینجانب داشتند، بلافاصله پس از قدم به تهران مرا مامور اداره و تحویل گرفتن مملکت از دولت طاغوتی و تشکیل دولت موقت برای انتقال به نظام جمهوری اسلامی فرمودند.» (روزنامه میزان، ۱۳۵۷/۱۲/۹).

اگر چه حضرت امام (ره) آقای بازرگان را مامور تشکیل دولت موقت نمودند و علاوه بر آن همان طور که بازرگان در گفته فوق به سوابق آشنایی حضرت امام (ره) با ایشان اشاره کردند به سوابق شخصی بازرگان و نهضت آزادی کاملاً آگاه بودند، امام خمینی (ره) در نامه ای خطاب به آیت الله منتظری که معروف به نامه ۱/۶ است می فرمایند:

«و الله قسم من با نخست وزیری بازرگان مخالف بودم ولی او را هم آدم خوبی میدانستم.» (روز نامه جمهوری اسلامی-۱۳۷۶/۹/۲۷).

بازرگان ۲۴ ساعت فرصت خواست. روز بعد در جلسه همان شورا گفت:

« خواهش می کنم آقایان نسبت به رای و پیشنهادی که دیشب دادید تجدید نظر فرمایید و اگر بنده را نامزد نخست وزیری می نمائید با علم و اطلاع از افکار و اخلاق و سوابق خواهد بود. همه آقایان مرا خوب می شناسند و از طرز کار و سوابق خدماتم اطلاع دارید. می دانید که معتقد به دمکراسی* و اهل همکاری و مشورت و اعتقاد به دیگران هستم و خیلی مقید به نظم و رعایت بوده و از تندی و تعجیل احتراز می کنم و علاقمند به مطالعه و عمل تدریجی می باشم. در گذشته

اینطور بوده ام برای آینده هم رویه ام را عوض نخواهم کرد. حال اگر با این سوابق و شرایط قبولم دارید پیشنهاد فرمائید.» (برزین، ۱۳۷۴: ص ۹۷)

حضرت امام (ره) طی حکمی مورخه ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ «بنا به پیشنهاد شورای انقلاب برحسب حق شرعی و حق قانونی ناشی از آراء اکثریت قاطع ملت و به موجب اعتماد به ایمان راسخ شما «بازرگان» به مکتب اسلام و اطلاع از سوابقتان در مبارزات اسلامی و ملی داریم و...» وی را مامور تشکیل دولت موقت کرد. (بهنود، ۱۳۷۰: ص ۹۰۷)

انتخاب بازرگان از نگاهی دیگر

در یک جمع بندی مختصر، با چند نکته مهم در ارتباط با انتخاب بازرگان به عنوان نخست وزیر دولت موقت مواجه هستیم:

۱- حساسیت و شرایط بسیار دشوار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شرایط و شخصیت بازرگان به عنوان فردی مبارز و زندان دیده و روشنفکر نزد اقشار مختلف مردم.

۲- سوابق مذهبی و سیاسی بازرگان، تدین و شهرت وی به عنوان یک نویسنده و استاد مسلمان دانشگاه، تایید برخی مراجع و بخصوص اعضای شورای انقلاب، عدم شناخت عملی و تجربی از کار ایشان، و از همه مهمتر به تعبیر حدیث علوی «در تحولات اجتماعی جوهره و شخصیت واقعی افراد شناخته می شود» در زمان انتخاب به لحاظ علم، عقل و شرع یکی از بهترین ها بود. طوری که بعدها بعد از کناره گیری از منصب نخست وزیری، حضرت امام (ره) در نامه پذیرش استعفایش به دیانت ایشان اشاره دارد و فرمودند: «ضمن قدردانی از زحمات و خدمات طاقت فرسای ایشان در دوره انتقال و با اعتماد به دیانت، امانت و حسن نیت استعفا را قبول نمودم.» (صحیفه امام خمینی ۱۳۷۸: ص ۵۴)

۳- تجدید نظر بازرگان در دیدگاه ها و اصلاح نظریات گذشته خود در رابطه با سلطنت و قانون اساسی شاه و جریان سیاسی مربوطه (نهضت آزادی ایران) و اظهار این مطالب که در خط رهبری است.

۴- محدودیت و چارچوب اختیارات بازرگان به عنوان نخست وزیر، با در نظر گرفتن حکم صادر، دوری از هر گونه نظرات شخصی در امورات و توجه به تصمیمات شورای انقلاب. (اسناد نهضت آزادی، ۱۳۶۱: ص ۱۱۴)

۵- از نظر شورای انقلاب، رابطه مهندس بازرگان با بختیار می توانست از حاد شدن مسائل و درگیری های خونین جلوگیری کند و انتقال قدرت را آسان کند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۲: ص ۱۷۴)

۶- مهندس بازرگان در فعالیت های مذهبی در دانشگاه تهران و جای دیگر مشارکت داشت. او در ابتدای دهه ی ۱۳۲۰، ابتدا کانون اسلام را تشکیل داد که تشکل اسلامی بود. سپس در تشکیل انجمن اسلامی دانشجویان تهران پیش قدم شد و سرانجام هم انجمن اسلامی مهندسين ایران را تاسیس کرد. مهندس بازرگان در ساخت مسجد دانشگاه تهران نیز مشارکت فعال داشت و از بنیانگذاران و طراحان ساختمان حسینیه ارشاد بود و به اتفاق شهید مطهری سالها در این مکان فعالیت میکرد. البته نگرش سنتی و محافظه کارانه دینی داشت و در مبارزه با جریان چپ کمونیست* نیز کم و بیش مشارکت داشت. (فوزی، ۱۳۸۴: صص ۱۸۳-۱۸۰)

۷- تعیین بازرگان به عنوان نخست وزیر دولت موقت انقلاب از سوی آیت اله خمینی، مانوری زیرکانه بود. چرا که به هیچ یک از دو گروه جبهه ملی و روحانیون اعتماد نداشت. گروه اخیر از مهارت مدیریتی لازم جهت اداره دولت بی بهره بودند و آیت الله های راست دین و نیز ملیون، با مداخله آنها در سیاست بشدت مخالف بودند. بازرگان با برخورداری از پشتوانه مذهبی قابل قبول، مورد احترام ملی گرایان و علما بود و هیچ کدام از این دو، از وی به عنوان فرد تشنه قدرت هراسی نداشتند. (میلانی، ۱۳۸۱: صص ۲۶۳-۲۶۲)

۸- با فرار شاه و احتمال سرنگونی رژیم سلطنتی در ایران، کشورهایی چون شوروی سابق، اسرائیل و بیش از همه آمریکا، منافع خود را در معرض خطر و نابودی می دیدند. ممکن بود با حکومت نوپای انقلاب به چالش برخیزند و ...

به هر جهت، با اینکه انتخاب بازرگان اصلح نبوده است، لیکن انتخاب مقدر بوده است. همان اندازه که رهبری انقلاب از ریشه تفکرات بازرگان و یاران او بی اطلاع بوده است، به همان میزان، آمریکایی ها بر دوستی و رفاقت آنها حساب می کردند و از این رهگذر، در آن مقطع حساس و سرنوشت ساز، با توجه به تحلیل های غلط غربیان و... و بخصوص آمریکا، امکان وارد آمدن ضربات مهلک و خطرناک بر پیکره نوپای انقلاب از آنها گرفته شد.

انتصاب و مأموریت مهندس بازرگان در راستای تشکیل دولت موقت

بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت آیت الله خمینی (ره) سه روز بعد از ورودشان به میهن اسلامی و برخورد قاطعانه با دولت غیرقانونی بختیار، تشکیل دولت موقت جمهوری اسلامی ایران را در ۱۳۵۷/۱۱/۱۵ طی حکمی خطاب به مهندس بازرگان اعلام داشتند. بازرگان پس از دریافت حکم نخست وزیری در آغاز، سخن از باب تواضع می گوید:

«خدا را شکر می کنم که چنین اعتبار و حسن شهرتی را که به هیچ وجه اهلیت و لیاقت آن را نداشته ام به من ارزانی داشته.» (سلطانی، ۱۳۶۸: ص ۱۱۷)

در رابطه با علت انتخاب بازرگان به عنوان نخست وزیر از جانب حضرت امام (ره) به پیشنهاد شورای انقلاب سه نکته اصلی و محوری قابل بررسی است.

۱- حساسیت و پیچیدگی شرایط بعد از پیروزی انقلاب، وجهه و اعتبار بازرگان نزد اقشار مختلف و خالی بودن صحنه از شخصی که توانایی تثبیت آن اوضاع بحرانی را داشته باشد. طوری که حضرت امام (ره) می فرماید: «مخالفت با دولت وی، امری کفر آمیز و قابل پیگرد است.» (کلام امام، ۱۳۶۱: صص ۳۲-۳۱)

۲- توجه و اصلاح عقاید و نظریات گذشته خود پیرامون سلطنت و قانون اساسی از جانب بازرگان و نهضت آزادی و قرار گرفتن در مسیر رهبری انقلاب در ظاهر امر.

۳- محدودیت وظایف و اختیارات بازرگان به عنوان نخست وزیر، پذیرش شرایط محدود کننده از جانب بازرگان که موجب می شد تا حق اعمال هرگونه نظرات شخصی را از خود سلب کند و در نتیجه استمرار بی قید و شرط رهبری انقلاب. (همان، ص ۱۲۰).

اگر چه موارد فوق از انگیزه های انتخاب بازرگان به نخست وزیری از جانب امام (ره) بوده است ولی علت اصلی را حضرت امام (ره) «نداشتن» و «نشناختن» فردی مناسب در آن شرایط ذکر می کنند و در یکی از سخنرانی هایشان می فرمایند: «آن قدر وقت ما نداشتیم فردی را که بتوانیم انتخاب کنیم ، انتخاب شر و خطا شد.» (خبرنامه تیپ- ۸۳ امام صادق (ع)، ویژه نامه انقلاب اسلامی.)

هیئت دولت موقت به این دلیل موقت نامیده شد که چندین ماموریت بیشتر نداشت و باید آنها را در مدت کوتاهی انجام می داد.

« رفراندوم و رجوع به آراء عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان قانون اساسی که به مجلس خبرگان قانون اساسی تغییر نام یافت، برگزاری انتخابات مجلس قانون گذاری منتخب مردم که ابتدا مجلس شورای ملی و سپس مجلس شورای اسلامی نام گرفت.» (کاوشی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۴)

ملاحظه می شود که امام بازرگان را فقط برای آن دوره کوتاه و در عین حال، حساس «انتقال» در نظر گرفته بود.

ترکیب وزرای کابینه دولت موقت مهندس بازرگان

علی رغم تاکید رهبر انقلاب حضرت امام (ره) در حکم انتصاب آقای بازرگان مبنی بر این که بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و وابستگی به گروه خاصی اقدام به تشکیل کابینه نماید، اما نگاهی به لیست وزرای کابینه دولت موقت نشانگر این واقعیت است که اکثر اعضای کابینه از میان ملی گرایان و اعضای نهضت آزادی بودند و کمتر کسی هم به عنوان نمونه از غیر جبهه ملی و یا نهضت آزادی انتخاب شده بود. درحالی که گروههای دیگر هم بودند که هم مبارزه کرده و هم تحصیل کرده و مدیریت در اختیار داشتند که اغلب آنها بعدا اداره امور کشور را به دست گرفتند.

دولت موقت ائتلافی از ملی گرایان و سکولار و اسلامی بود. نماد گروه نخست، جبهه ملی بود که اعضای آن ۳۳ درصد کابینه را تشکیل می دادند و نماد گروه دوم نیز نهضت آزادی و وابستگان آن بود که کنترل ۵۰ درصد از پست های کابینه را در اختیار داشتند. دولت موقت در مراحل

نخستین انقلاب، از امتیازاتی برخوردار بود که هیچ گروه دیگری آنها را نداشت. (بازرگان، ۱۳۶۲: صص ۴۰-۳۹)

ترکیب و عملکرد دولت موقت به همان اندازه که آمریکا را نسبت به حوادث آینده انقلاب خوش بین می- ساخت، نیروی مذهبی و مردم انقلابی را که با رهبری امام (ره) وحدت می یافتند، دچار تردید و اضطراب میکرد. (پارسانیا، ۱۳۸۰: ص ۳۸۵)

حتی در بین این افراد، کسانی که با حکومت اسلامی و حاکمیت روحانیت مخالفت داشتند کم نبودند، حسن نزیه رئیس شرکت ملی نفت در یکی از سخنرانی هایش می گوید: «اگرما فکر می کنیم تمام مسائل سیاسی، اقتصادی و قضایی را می توانیم در قالب اسلامی بسازیم، آیات عظام هم می دانند که در شرایط حاضر نه مقدور است نه ممکن و نه مفید.» (مجله انقلاب، ارگان رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) حضرت امام (ره) در مقابل سخنان این شخص در یکی از سخنرانی هایش می فرماید: «وی این حرف را از روی نفهمی گفته است.» (همان)

اسامی وزیران دولت موقت مهندس بازرگان

ردیف	وزیر	وزارتخانه	ردیف	وزیر	وزارتخانه
۱	شکوهی، رجایی	آموزش و پرورش	۱۲	طاهری	راه
۲	اسلامی	ارتباطات	۱۳	میناچی	جهانگردی
۳	امیر انتظام	سخنگو	۱۴	احمدزاده	صنایع
۴	اردلان	دارایی	۱۵	شریعتمداری	علوم
۵	سنجابی، یزدی	خارجہ	۱۶	دوزدوزانی، حبیبی	ارشاد
۶	صدر	بازرگانی	۱۷	فروهر	کار
۷	سامی	بهداشت	۱۸	حاج سید جوادی	کشور
۸	یدالله سبحانی	مشاور	۱۹	کتیرایی	مسکن
۹	ایزدی	کشاورزی	۲۰	معین فر، نزیه	نفت
۱۰	مبشری	دادگستری	۲۱	تاج	نیرو
۱۱	مدنی، چمران	دفاع			

وضعیت تشکیلاتی نهضت آزادی در دوران دولت موقت

در سال ۱۳۵۶ با روی کار آمدن «جیمی کارتر» در آمریکا و اعلام فضای باز سیاسی در ایران و همزمان با آغاز شتاب انقلاب اسلامی، تعدادی از اعضای نهضت آزادی و دیگر گروههای ملی گرا، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر را تاسیس کردند و احمد صدر، حاج سید جوادی

و ناصر میناچی به ترتیب نایب رییس و خزانه دار این تشکل بودند. (جریان برانداز و استراژی براندازی خاموش، ۱۳۸۱: ص ۶۳)

با حضور بازرگان و اعضای مهم هیات رهبری نهضت در مشاغل اجرایی دولت موقت، فعالیت جدید نهضت که از سال ۵۶ با تاسیس جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، شروع شده بود، تقریباً روبه تعطیلی رفت و در این مدت نهضت‌ها اعلام داشتند اگر شاه حاضر باشد که تمام موارد قانون اساسی را به اجرا در آورد، ما آماده ایم تا سلطنت را بپذیریم. (اسناد لانه جاسوسی: ص ۲۰۴) در حقیقت درگیری های اجرایی، فرصتی را برای تبلیغات و تشکیلات نهضت باقی نمی گذارد. تنها نکته قابل ذکر و حائز اهمیت در این دوره، تغییر و تحولاتی است که بر وضعیت نیروهای نهضت به وجود آمد. در این زمان، عده ای از عناصر مهم و کلیدی و هم چنین بعضی عناصر غیر فعال که از سال ۱۳۴۰ جذب نهضت شده بودند از آن جدا شده و به جریان انقلاب و خط امام می پیوندند و یا اینکه به سوی جریانهای دیگر کشیده می شوند. از جمله شهید رجایی که از نهضت بیرون آمده و بعداً در برابر آن موضع می گیرد و کسانی چون دکتر عباس شیبانی از نهضت کنار می رود. با رحلت آیت الله طالقانی که از سالهای ۱۳۵۰ ارتباطات خود را با نهضت آزادی کم کرده بود خلأی در نهضت به وجود می آید. حسن نزیه که از اعضای هیات موسس نهضت آزادی در سالهای ۱۳۴۰ به بعد بوده است روابط خود را با جریانات غربی علنی تر کرده و ارتباط خود را با نهضت آزادی کم می نماید.

در کنار موارد فوق، جریان خارج از کشور به ایران می آید. ابراهیم یزدی، صادق قطب زاده، مصطفی چمران برای کمک بعد از انقلاب به دولت موقت وارد کابینه می شوند که در ادامه مصطفی چمران از نهضت جدا گشته و به جریان خط امام می پیوندند.

با حضور اعضای اصلی نهضت آزادی در داخل کشور و نخست وزیری مهندس بازرگان در دولت موقت، فعالیت آنها در خارج پایان یافته و تعدادی از نیروهای آن جذب سایر گروه ها و... شدند.

دولت موقت و حاکمیت روحانیت

بازرگان با عنوان رئیس دولت موقت و سازمان نهضت آزادی از همان ابتدای تشکیل نهضت آزادی و یا قبل از آن با روحانیت در ارتباط بوده و سعی بر آن داشته خود را رهبر و رئیس یک حزب و جمعیت مذهبی که با روحانیت و رهبران مذهبی در ارتباط است، معرفی نماید و در اکثر مواقع خود را منتسب به یک حزب و جریان اسلامی مثل فدائیان اسلام می دانستند، اگر چه در شیوه مبارزه دو تفکر و جریان برخورد با رژیم کاملاً مخالف هم بودند. یکی معتقد به برخوردهای قانونی و در چارچوب قانون اساسی حاکم و مسالمت آمیز و سیاستهای گام به گام. دیگری معتقد به شیوه های مبارزه مسلحانه و براندازی رژیم. (سمعی، ۱۳۷۲: ص ۸۷) ارتباط و دعوت از آیت الله طالقانی جهت عضویت در نهضت آزادی نیز در همین راستا بوده، اگر چه جذب نیروهای مذهبی از اهداف آن بوده است. نهضت آزادی در طول حیات سیاسی خود چه قبل و چه بعد از انقلاب، بیشترین ارتباط را با آیت الله شریعتمداری داشته که او را به عنوان مرجع شیعیان و مرجع تقلید خود می دانستند و در سالهای اولیه نهضت اسلامی وقتی سخن از مرجع بودن حضرت امام (ره) بود، بازرگان و نهضت آزادی از معتقدین به مرجعیت آیت الله شریعتمداری، گفته بودند:

«مگر می شود فردی به صرف اینکه بگوید شاه را بیرون می کنیم این بشود مرجع، مرجع آقای شریعتمداری است.» (روحانی، ۱۳۶۱: ص ۴۵)

ارتباط با یک روحانی وقتی برای آنها از درجه اهمیت برخوردار بود که هم عقیده و هم رای سران نهضت آزادی در برخورد با حکومت، سیاست، دین و... باشد و شریعتمداری را از این لحاظ که «او دارای اندیشه والا و فکری روشن است» انتخاب کرده بودند دولت موقت به رهبری روحانیت برای اداره حکومت اعتقادی نداشتند و معتقد بودند که در عرصه سیاسی طیف غیر روحانیون باید رهبری را در دست بگیرند و روحانیون در نهایت تائید کننده باشند و هر وقت لازم شد مردم را به صحنه بیاورند و در حاشیه باشند. (ماهنامه صبح، ۱۳۷۰: ص ۴۰)

براساس همین عقیده و تفکر، نهضت آزادی در یک بیانیه ای نظر خود را راجع به اداره مملکت توسط روحانیت اعلام داشته که: «به نظر ما چنین می رسد که روحانیت همان نقش پدران و بی طرف خود را به لحاظ سیاسی نسبت به همه مسلمانان و گروه ها و نحله های درون تفکر اسلامی

و شیعی حفظ کنند و به کار تحقیق و تعلیم و گسترش عمل فرهنگی خود بپردازد و وظیفه حفظ و اصالت اندیشه اسلامی را به پیش ببرد.» (روزنامه کیهان، ۹/۱۰/۱۳۶۰).

در مجموع نهضت با حفظ ارتباط با روحانیت، اندیشه دینی خود را از دانش خود اخذ کرده بود نه از روحانیت. از همین رو، در دوران اوج انقلاب اسلامی در سال های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ نهضت آزادی با پذیرش رهبری امام، در کنار روحانیت قرار گرفت و توانستند هدایت دولت موقت را عهده‌دار شوند. اما تفکر و اندیشه آنها با شرایط انقلابی آن روز سازگار نبود و همین موجی شد که آنها بعدها در عرصه سیاسی چندان دوام نیاورند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ص ۱۴۲)

سخنرانی مهندس بازرگان در دانشگاه تهران و تشریح برنامه های دولت موقت

[در روز جمعه ۲۰ بهمن ۱۳۵۷ مهندس بازرگان؛ نخست وزیر دولت موقت انقلاب، طی یک سخنرانی عمومی که با حضور بیش از صدها هزار نفر از مردم در دانشگاه و خیابان های اطراف دانشگاه برگزار شد، برنامه های دولت موقت را تشریح کرد.

از اولین ساعات صبح روز جمعه گروههای مختلف مردم به دانشگاه رفته بودند تا به سخنرانی مهندس بازرگان گوش دهند. در تمام خیابانهای دانشگاه مردم جمع شده بودند. در اطراف مسجد دانشگاه که قرار بود سخنرانی در آنجا برگزار شود، جمعیت زیادی گرد آمده بودند و در خیابانی که به مسجد دانشگاه منتهی می شد در یک طرف مردان و در طرف دیگر زنان ایستاده بودند. در ضمن، در تمام خیابانهای دانشگاه بلندگوهای متعددی نصب شده بود.

تا ساعت یازده که مهندس بازرگان وارد مسجد دانشگاه شد و سخنرانی را آغاز کرد سرودهای (خمینی ای امام) (۱۳ آبان) و سرودهای دیگر پخش می شد و قسمتهایی از پیام امام خمینی از بلندگو خوانده شد.

در فاصله پخش پیامها و سرودها، آیاتی از قرآن مجید تلاوت شد. در این فاصله، فریادهای سلام بر بازرگان؛ نخست وزیر ایران، در سرتاسر دانشگاه می پیچید. در بالای سر در مسجد دانشگاه تهران این پلاکارد به چشم می خورد: «دولت موقت اسلامی تبلور خواستهای ملت ایران است». آنگاه پیامهای جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران و پیام یکی از اعضای هیات دبیران موقت سازمان ملی دانشگاهیان ایران خطاب به مهندس بازرگان خوانده شد. ساعت یازده مهدی بازرگان

در حالی که ۱۰ نفر او را محافظت میکردند، از در غربی مسجد وارد شد و در این هنگام فریادهای سلام بر بازرگان نخست وزیر ایران دانشگاه را به لرزه در آورد. در پایین پله ها ده ها خبرنگار، فیلمبردار و عکاس ایرانی و خارجی اجتماع کرده بودند. دکتر ابراهیم - یزدی، صادق قطب زاده، آیت الله هاشمی رفسنجانی، احمد صدر حاج سید جوادی، استاد مرتضی مطهری، دکتر سبحانی و دکتر توسلی نیز همراه مهندس بازرگان بودند.

مهندس بازرگان سخنان خود را با آیاتی از قرآن مجید آغاز کرد. وی در این سخنرانی که اولین سخنرانی عمومی وی بعد از انتخاب به عنوان رئیس دولت موقت محسوب می شد، گفت:

«انتظار اینکه مملکت یک شبه ره صد ساله بپیامد و آن روحیه ادامه داشته باشد که خواسته ها فوراً و بطور کامل و صد درصد تأمین گردد؛ همه بدی ها و بدها بلافاصله بدون رسیدگی و محاکمه، مجازات و بلکه اعدام شوند چیزی نه ممکن است و نه مصلحت، از بلاها و دردهای هر دولت ملی اسلامی است. خصوصاً در دوران انتقالی و موقت. از حالا باید عرض کنم که از بنده حقیر سراپا تقصیر انتظار «علی» بودن را نداشته باشید. علی نیستم که همان شب اول بگویم: «معاویه از جای بلند شو» حتی انتظار رهبری و مرجع عالی قدری که بنده را مامور و مفتخر به این خدمت کرده اند و با عزم راسخ و ایمان و قدرتش سر به زیر انداخته و بولدوزر وار حرکت می کند و حرکت کرده صخره ها و ریشه ها و سنگها را از سر جایش خرد کرده ولی پیش رفته و می رود، این انتظار را هم از بنده نداشته باشید.» [روزنامه کیهان، شنبه، ۱۳۵۷/۱۱/۲۱].

نخست وزیر دولت موقت تأکید کرد:

«بنده ماشین سواری نازک نارنجی هستم که باید روی جاده های آسفالت و از راه هموار حرکت کنم شما باید این راه را برایم هموار کنید.» (همان)

[بازرگان با بیان اینکه «یکی دیگر از بیماری های از بین برنده پیروزی و مبارزه، تصور اتمام آن و عدم آمادگی برای ادامه و طولانی بودن و درازی راه است»، ادامه داد «همانطور که ایشان (امام خمینی) هم فرمودند درست است که به گردنه رسیده ایم. آن روزی که شاه از ایران رفت واقعاً روز بزرگ و گردنه عظیم این راه طولانی بود. وقتی من به منزل رسیدم لیوان آبی خوردم و به خود

گفتم: دمی آب خوردن پس از بد سگال/ به از عمر هفتاد و هشتاد سال. اگر همان روز عمرم تمام می شد غصه ای نداشتم. پس به طریق اولی حالا هم غصه ای ندارم. ولی این راه، راهی که ۲۵۰۰ سال طول کشیده تا ساخته شد و از تمام شئون و موارد و مواضع مملکت گذشته، یک گردنه و دو گردنه ندارد، گردنه های دیگر، دره ماهورهای بیشتر در پیش داریم. باید آماده بود. باید جوشن و سلاح به زمین نینداخت، باید از حالا به فکر استراحت و خواب نبود، یادش به خیر یکی از همکاران دانشگاهی در کلاس به شاگردان می گفت چرا درس را یاد نگرفته اید و کم کار کرده اید. می گفتند ما دوساعت روی فلان درس کار کردیم، دو ساعت فلان کار را کردیم، فلان ساعت هم خوابیدیم و به هر حال جمعش ۲۴ ساعت می شود. اما استاد می گفت زمانی که من درس می خواندم شبانه روز ۴۸ ساعت کار می کردم. (خنده جمعیت) حالا ملت هم باید شبانه روز ۴۸ ساعت کار کند. یعنی همان مدت با راندمان ۲ برابر. وی افزود: «حالا لازم است که تتان را چرب کنید، آماده باشید و تحمل خیلی سختی ها و بدی ها را داشته باشید و از همه مشکل تر و ناراحت کننده تر تحمل این وجود نامیمون است باید بسوزید و بسازید (خنده- حاضران)».

بازرگان در ادامه سخنانش به انتظاراتی که از وزرای دولت موقت وجود خواهد داشت، اشاره کرد و گفت: «چون هنوز وزراء معرفی نشده اند و نامی برده نشده می توانم ذکری بکنم و بگویم: انتظار اینکه وزراء مریم بافته و عیسی رشته باشند، نداشته باشید. عرض کردم بزرگترین ضربه ای که حکومت استبدادی در طی ۲۵۰۰ سال مخصوصا پنجاه و چند سال اخیر به این ملت و مملکت زد از بین بردن شخصیتها و رجال و یا به قول آن صدراعظم ناصرالدین شاه ایجاد قحط الرجال بود، بنابراین هیچ یک از آقایان وزراء از جمع جهان کامل بی عیب، مبرا، مصلح، متخصص و کامل نخواهند بود، این را از حالا عرض می کنم (که گفته اند) گربه را دم حجله باید کشت.. (خنده جمعیت)».

آنچه از حالا می خواهم تقاضا کنم، آن عمل بعد؛ آنچه که بعد از فوت وقت یا موقع خداحافظی بگویم و حلالیت بطلبم از هم اکنون از همه ملت ایران این حلالیت را می طلبم منتها آنچه اکنون وعده می دهم و از جانب وزراء آینده هم عرض می کنم داشتن حسن نیت، قصد خدمت و فعالیت است اما تضمین به اینکه هیچ عیبی، ایرادی، خطائی، نقصی نباشد و از دست ما هم

گناهی و ناحقی سر نزنند ندارم، اگر شما دارید فکرتان را عوض کنید. (خنده جمعیت) در اینجا بازرگان به شوخی گفت: نمی گویم دولت را عوض کنید. می گویم فکرتان را عوض کنید (خنده مجدد جمعیت) بازرگان سپس ادامه داد: «تا اینجا عرایض تشکرات از خدا و خلق و همچنین تقاضاها و توقعات بود و بستن پیمان متقابل ای که بعد از این باید رعایت و اجرا شود». اما برنامه کلی و ترتیب کار دولت به این شرح است:

همانطور که اطلاع دارید و مقام رهبری انقلاب در انتصاب رئیس دولت فرمودند، خطوط اصلی و وظایف دولت موقت به قرار زیر است: (روزنامه کیهان، شنبه، ۲۱/۱۱/۱۳۵۷).

- ۱- احراز و انتقال قدرت
 - ۲- ارائه و اثبات حقانیت (رفراندوم)
 - ۳- احیاء و اداره و اصلاح مملکت
 - ۴- انتخابات مجلس مؤسسان و ارجاع به آراء عمومی برای تدوین و تصویب قانون اساسی جدید
 - ۵- انتخابات مجلس شورای ملی
 - ۶- استعفا و تحویل کار به رئیس جمهور و به دولت رسمی بعدی. (همان)
- بازرگان سپس با بیان وجوه مختلف، اختلاف و تفاوت انقلابیون و دولت موقت را با دولت شاپور بختیار و دلایل غیر قانونی بودن نهاد های سلطنتی را تشریح کرد و با ذکر مثالی از ماجرای امام حسین و مردم کوفه گفت :

«خوشبختانه پس از طی ۱۴ قرن، ملت ایران کار مردم کوفه را نکرد و وفاداری نشان داد. با آغوش باز حسین زمانش را پذیرفت . کشته ها داد. حالا من می گویم همانطور که ملت ایران کار مردم کوفه را نکرد شما هم کار ابن زیاد را نکنید. ارتش ما و دولت و وزرای ما! عمل ابن سعد را که تمام گذشته صحابی بودن و فداکاری و خدمت و افتخار داشتن را به طمع گندم ری زیر پا گذاشت، شما نکنید. ابن سعد باشید. ارتش ما و سربازان و افسران ما! شمر نباشید. این تقاضای بزرگی نیست که جناب دکتر شاپورخان بختیار لر، دکتر بختیار حر بشود.» (روزنامه کیهان، شنبه -

۲۱/۱۱/۱۳۵۷)

نهضت آزادی و پیروزی انقلاب اسلامی

در سال ۱۳۵۶ با روی کار آمدن «جیمی کارتر» در امریکا و اعلام فضای باز سیاسی و همزمان با آغاز شتاب انقلاب اسلامی، نهضت آزادی تجدید حیات کرده، طرفداری خود را از قانون اساسی مشروطه و اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام کرد. بازرگان راهی پاریس شد تا امام خمینی (ره) را متقاعد کند که دست از شعار سرنگونی رژیم سلطنتی در ایران بردارد و اجرای قانون اساسی مشروطه را هدف مبارزه قرار دهد. اما با مخالفت امام (ره) مواجه شد و پذیرفت نهضت را همراهی کند. (گونه شناسی بحرانها و راههای مقابله با آن، ۱۳۸۱:ص ۳۴)

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به آنچه که در صفحات قبل ارائه گردید، به پیشنهاد شورای انقلاب، امام خمینی (ره) تحت شرایطی خاص مهندس بازرگان را به عنوان نخست وزیری دولت موقت منصوب کرد و در این مدت مردم ایران با حضور در همه صحنه های انقلاب، همانند تظاهرات، اعتصابات، پخش اعلامیه ها و به عنوان نمونه با حضور میلیونی در نماز عید فطر سال ۱۳۵۶ و راهپیمایی روزهای ۱۶ و ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، تاسوعای ۱۳۵۷ و... همچون سیلی خروشان به حرکت در آمده و با وحدت و یکدلی و بدون استفاده از سلاح و تجهیزات و یا سازمان و هر حزبی همه موانع را یکی پس از دیگری از میان برداشتند.

از این سو، شاه با تغییر نخست وزیران کوشید تا آتشفشان خشم ملت را فرو خواباند. اما نه تنها با آوردن شریف امامی و سپس ارتشبد از هاری و سرانجام شاهپور بختیار از جبهه ملی نتوانست ملت ایران را فریب دهد و آرام سازد بلکه به اعتراضات مردمی افزود تا اینکه شاه مجبور شد در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ از ایران بگریزد. (نصری، ۱۳۸۹:ص ۹۹)

با پخش این خبر؛ رفتن شاه از کشور، ناگهان موج تظاهرات و جشن و شادی سراسر ایران را گرفت و کلیه مجسمه های شاه پایین کشیده شد و پرچم الله اکبر به جای آنها نصب شد. سپس مراکز نظامی و انتظامی در هم شکسته شدند و سرتیپ رحیمی فرماندار نظامی تهران که در حال و هوای بازگشت شاه به سر می برد حکومت نظامی اعلام کرد. لذا امام بی درنگ اعلامیه حکومت نظامی را خلاف شرع اعلام نمود و از مردم خواست به مقررات منع عبور و مرور توجه نکنند. (زنجانی، ۱۳۸۶:ص ۳۱۰)

در نهایت و در اوج نظام دو قطبی جهان به رهبری ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، انقلاب شکوهمند* ایران اسلامی بدون اتکا به هیچ یک از آنها و قدرت های بزرگ، در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ با سرنگونی رژیم فاسد پهلوی و با رهبری عالمانه حضرت امام خمینی (ره) به پیروزی رسید.

نتیجه گیری

با اوج گیری انقلاب اسلامی در سالهای ۱۳۵۷-۱۳۵۶ مهندس بازرگان به همراه افراد نهضت و جبهه ملی «جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر» را تشکیل و در چهار چوب قانون اساسی و بر مبنای اعلامیه حقوق بشر و تایید و همکاری مجمع عمومی و مجامع بین المللی و طرفداران حقوق بشر در آمریکا و با شعار «شاه سلطنت کند نه حکومت، انتخابات باید آزاد باشد» فعالیت سیاسی خود را آغاز کردند. عناصر تشکیل دهنده و رهبران این جمعیت همه از سران آزادی ایران بودند که در این مقطع با این نام شروع به فعالیت کردند.

در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ با پیشنهاد شورای انقلاب و تأیید امام خمینی، مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر دولت موقت انتخاب شد. امام در حکم نخست وزیری تصریح نمودند به دور از روابط حزبی و وابستگی فکری، دولت را معرفی و کار را آغاز نماید. لیکن علیرغم تأکید امام، اکثریت اعضای دولت موقت، حزبی و بیشتر آن از اعضای نهضت آزادی بودند حتی برخی مقامات جزء و استانداران نیز از این جریان خاص انتخاب شدند.

با شروع کار دولت موقت و حاکمیت نظام و انقلاب اسلامی و گذشت چند روزی از آن، روند اقدامات دولت موقت نه تنها متناسب با اهداف و قدرت و قوت انقلاب در آن زمان، سطح حاکمانه نبود بلکه نسبت به مسائل اولیه نیز توانمندی لازم را نشان نمی داد. مؤسس، ایدئولوگ* و رهبر نهضت آزادی طی قریب به چهار دهه فعالیت این تشکل، شخص مهندس مهدی بازرگان بود. به عبارت دیگر، نهضت آزادی در شخص و شخصیت آقای بازرگان خلاصه می شد. طوریکه در مدت نخست وزیری، در اندیشه و عمل نشان داد که توان حرکت را ندارد. منفعلانه و گاهی لجوجانه حرکت می کرد تا جایی که حرکت ها و عکس العمل های وی در شورای انقلاب دوستان نزدیک او را نیز به تردید و تعجب بر می داشت و این همه از آن جهت بود که بازرگان با

تحولات پیش نیامده، زمان و مقتضیات زمان را درک نکرده بود و چون ریشه در معارف اسلام قرآن و سیره نداشت نمی توانست مواقع خاص از متون، استنباط مناسبی داشته باشد.

از آنجا که نهضت آزادی خواهان حکومت سلطنتی مشروطه بود، لذا بعنوان یکی از احزاب اپوزیسیون* مسلماً در جهت پایداری و ماندگاری آن تلاش می کرد. حتی در سال ۱۳۵۶ با «تأسیس جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر» نه تنها ماندگاری حکومت و اجرای قانون اساسی را خواستار شد بلکه حضور آمریکائیان و مدافعان حقوق بشر در کشور را ضروری دانست. در حالی که مردم در انقلاب اسلامی با نفی حکومت پهلوی و نهادهای آن، نفی هر گونه سلطه شرق و غرب و نفی هر گونه ایدئولوژی* دیگر، خواهان حاکمیت اسلام و قرآن بودند.

با توجه به آنچه گفته شد، فعالیت های نهضت آزادی ایران و دولت موقت، از ابتدا، تأثیر چنان تعیین کننده ای بر سیر حرکت انقلاب اسلامی نداشته است بدلیل اینکه چه قبل و چه بعد از انقلاب، هرگز از پایگاه و نفوذ مردمی برخوردار نبود و آموزه های اسلام را، یا به درستی نمی شناخت و یا اگر می شناخت فاقد اراده و میل لازم برای اجرای صحیح آنها بود. نه تنها این، بلکه شخص بازرگان خود را یک مفسر کامل اسلام و قرآن می پنداشت و به شدت تحت تأثیر آموزه های غربی قرار داشت و مهمتر اینکه در مرامنامه نهضت آزادی از نفی رژیم شاهنشاهی و برقراری نظام جمهوری اسلامی سخنی به میان نیامده است و از لحاظ سیاست جهانی، سیاست فریبکارانه غربی، بویژه آمریکائی ها به کلی نهضتیه را غافل کرده بود که می شود به آمریکا اعتماد کرد و با کمک او انقلاب را پیش برد و مملکت ساخت.

در مجموع مواضع، سیاست ها و عملکرد و چهره دولت موقت بازرگان، به عنوان یک دولت طرفدار غرب به گونه ای بود که که امام با تمام دقت نظر که در ارزیابی و معرفی، اشخاص، احزاب، گروه ها و شخصیت های سیاسی کمال احتیاط و تقوی را به کار می بستند، بخاطر احساس خطری که از ناحیه نهضت آزادی ایران و رهبری آن کردند، ناگزیر شدند آن مواضع تند و کوبنده را نسبت به آنها اتخاذ کرده و با استعفای دولت موقت مهندس بازرگان موافقت و نهضت آزادی را بعد از سالهای پیروزی انقلاب اسلامی غیر قانونی اعلام نمایند.

پی نوشت:

* دولت موقت (provisional government): دولت یا حکومتی که در دوران برزخ سیاسی، پس از انتقال قدرت از یک نظام سیاسی به نظام سیاسی دیگر تشکیل می شود و تا زمان تصویب قانون اساسی جدید عهده دار امور کشور است.

* صهیونیسم (Zionism): به معنای کوه خشک و یا بسیار آفتابی اخذ شده است که نام تپه ای در جنوب غربی شهر مقدس فلسطین می باشد و یک جنبش یهودی برای بوجود آوردن جامعه و کشور خودمختار یهود در فلسطین است.

* فراماسونی (Feeramason): گسترده ترین و جهانگیرترین انجمن پنهانی است که با پیشرفت امپراتوری بریتانیا در جهان گسترش پیدا کرد که در غالب انجمنها و لژها بر اساس همیاری در جهت آموزشها و آداب پنهان گرد هم می- آیند و اعضا انجمنها نباید آیین و رسوم را بازگو کنند- در ایران مردم این انجمن پنهانی را «فراموشخانه» نامیدند.

* مائوئیسم (Maoism): اندیشه «مائوسه تونگ» رهبر انقلاب کمونیستی چین درباره استراتژی جنگ انقلابی و سازگار کردن روحیه انقلابی مردم با جنگ چریکی، آن هم به صورت انتقال مبارزه از شهرها به روستاها و دیگر از کارگران شهری به دهقانان است تا بتواند جامعه سستی چین را از ریشه دگرگون کند.

* رفراندوم (Referendum): رای گیری مستقیم از همه اعضای تشکیل دهنده یک سازمان یا جامعه، برای رد یا تصویب سیاستی که رهبران یا نمایندگان پیشنهاد کرده اند- هدف آن جلوگیری از قانونگذاری به زیان اکثریت جامعه است.

* ایدئولوژی (Ideologie): به معنای تصور و اندیشه و شناخت می باشد- سیستمی از اندیشه ها و ایده ها است که، می خواهد جهان را توضیح بدهد هم دگرگون کند و توجه به عمل به اندازه نظر و گاه بیش از آن اهمیت دارد.

* ایدئولوگ (Ideologue): لغت فرانسوی است، به معنای «ایده شناس» یا کسی که در ایدئولوژی صاحب نظر است و مرجعیت دارد.

*اپوزسیون (opposition): به معنای مخالفت و یا مخالفان است که در معنای وسیع کلمه، عبارت است کوشش اتحادیه و گروهها و افراد و... برای دستیابی به هدفها، در جهت مخالف هدفهای دارندگان قدرتهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، خواه از شیوه های پارلمانی یا از شیوه های دیگر. «اپوزسیون مظهر حکومت احتمالی آینده است.»

Noofel looshalto	نوفل لوشاتو
Nationalis	ناسیونالیسم
Socialisti	سوسیالیستی
Intellectuals	روشنفکران
Absolutism	استبداد
Dictatorship	دیکتاتوری
Liberal	لیبرال
Soliwan	سولیوان
Moassesan parliament	مجلس موسسان
Democracy	دموکراسی
Communist	کمونیست
Glorious Revolution	انقلاب شکوهمند

منابع و مأخذ

الف) کتب

- ۱- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- ۲- بازرگان، مهدی. (۱۳۶۱). مسائل و مشکلات اولین سال انقلاب، تهران: دفتر نهضت آزادی ایران.
- ۳- بازرگان، مهدی. (۱۳۶۲). شورای انقلاب و دولت موقت، تهران: دفتر نهضت آزادی ایران.
- ۴- برزین، سعید. (۱۳۷۸). زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان، تهران: نشر مرکز.
- ۵- بهنود، مسعود. (۱۳۷۰). از سید ضیاء تا بختیار، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- ۶- بهادرونند، محمد مهدی و حیات مقدم، امیر. (۱۳۸۳). کالبد شکافی پرونده لیبرال، تهران: موسسه ولایت بصیر.
- ۷- پارسائیان، حمید. (۱۳۸۰). حدیث پیمانہ: پژوهشی در انقلاب اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
- ۸- جعفریان، رسول. (۱۳۸۱). جریانها و جنبش های مذهبی و سیاسی ایران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- ۹- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف.
- ۱۰- جریان برانداز و استراتژی خاموش. (۱۳۸۱). اداره سیاسی، تهران: معاونت آموزش نیروی مقاومت.
- ۱۱- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. (۱۳۶۷). احزاب سیاسی در ایران، تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی، بخش ۲.
- ۱۲- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. (بی تا). اسناد لانه جاسوسی، تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی، جلد ۳.
- ۱۳- در جستجوی راه از کلام امام. (۱۳۶۱). تهران: انتشارات امیر کبیر، دفتر پنجم.
- ۱۴- روحانی، سید حمید. (۱۳۶۱). شریعتمداری در دادگاه انقلاب، قم: دفتر اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۵- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۳). گزیده کتاب انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- ۱۶- سلطانی، مجتبی. (۱۳۶۸). خط سازش، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی .
- ۱۷- سمعی، احمد. (۱۳۷۲). طلوع و غروب دولت موقت، تهران: نشر شباویز.
- ۱۸- سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. (۱۳۶۱). صحیفه نور، تهران: وزارت ارشاد اسلامی. جلد ۱-۵
- ۱۹- فوزی، یحیی. (۱۳۸۴). تحصیلات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج.
- ۲۰- کاوشی، حسین. (۱۳۸۶). حزب جمهوری اسلامی ایران از تاسیس تا فاجعه هفت تیر، تهران: انتشارات دفاع.
- ۲۱- گونه شناسی بحرانها و راهبردهای مقابله با آن. (۱۳۸۱). تهران: معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت.
- ۲۲- میلانی، محسن. (۱۳۸۱). شکل گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو.
- ۲۳- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
- ۲۴- محمدی، منوچهر. (۱۳۷۰). تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۲۵- نهضت آزادی ایران. (۱۳۶۱). اسناد نهضت آزادی ایران، تهران: دفتر نهضت آزادی ایران، جلد ۲ .
- ۲۶- نهضت آزادی ایران. (۱۳۶۲). اسناد نهضت آزادی ایران، تهران: دفتر نهضت آزادی ایران، جلد ۱۱ .
- ۲۷- نهضت آزادی ایران. (۱۳۶۲). اسناد نهضت آزادی ایران، تهران: دفتر نهضت آزادی ایران، جلد ۹، دفتر اول.
- ۲۸- نصری، محسن. (۱۳۸۹). ایران؛ دیروز، امروز، فردا: تحلیلی بر انقلاب اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
- ۲۹- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۲). انقلاب و پیروزی، تهران.

ب) مجلات و نشریات

۱- روزنامه رسالت ، ۱۳۶۸/۰۴/۰۱

۲- روزنامه میزان ، ۱۳۵۷/۱۲/۹.

۳-روز نامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۲۷.

۴-روزنامه کیهان، شنبه، ۱۳۵۷/۱۱/۲۱.

۵-روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۱۰/۹.

۶-مجله انقلاب، ارگان رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۷-ماهنامه صبح، (۱۳۷۷)، سال چهارم، شماره ۸۰، فروردین.

۸-خبرنامه تیپ ۸۳ امام صادق (ع)، ویژه نامه انقلاب اسلامی.

